

اخلاق در ورزش

دکتر رضا قراخانو

(عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس)

زمان:

9 مردادماه 1396



قبل از شروع مباحث لازم است این نکته را متذکر شوم که من در بخش فیزیولوژی ورزش شاگردی کرده‌ام و تجربیاتی رو به عنوان دانشجوی این حوزه، یک ورزشکار و فردی که در بخش مدیریتی فعالیت کرده است دارم. ولی در حوزه مهمی مثل فرهنگ و اخلاق یک فرد عامی هستم. بنابر دستور آقای دکتر منفرد گزارشی را آماده کرده‌ام که ارائه خواهم داد ولی به لحاظ تخصصی من متخصص این حوزه نیستم.

عنوان کار ما « چالش‌های اخلاقی در ورزش ایران » است. سعی می‌کنیم بعضی از مصادیق رو به بحث بگذاریم و برخی از راهکارها رو هم ارائه کنیم. در مقدمه، یکی از مسایل اساسی این است که آن چیزی که به شکل سازمان یافته به نام ورزش تعریف می‌شود آیا از جامعه تأثیر می‌پذیرد؟ به عبارت دیگر آیا ورزش از جامعه تأثیر می‌پذیرد یا ورزش به خودی خود یک نظام فرهنگ‌ساز است و باید توقع داشته باشیم که در شکلهای فرهنگ جامعه مؤثر باشد. در مجموع به نظر می‌رسد که هر دو حالت مفروض است. یعنی ورزش مانند آینه‌ای است که در هر کشوری، شرایط فرهنگی اون جامعه رو منعکس می‌کند اما از دیگر سو این توقع به حق وجود دارد که بنا به دلایلی که مطرح خواهم کرد فعالیت‌های ورزشی، موضوعات ورزشی و در کل نهاد ورزش، حتماً بر فرهنگ جامعه هم تأثیر گذار خواهد بود.

نهاد اجتماعی که ما از اون به عنوان ورزش نام می‌بریم موضوع پیچیده‌ای است و ابعاد مختلفی دارد. ورزش با سازمان ملل متحد، با کشورها، با نهادها و انستیتوهای مختلف مرتبط است. چراکه ورزش در دنیا سازماندهی بسیار قوی و قدیمی دارد حتی می‌توان گفت سازماندهی ورزشی از سازمان ملل قدیمی‌تر و شاید منسجم‌تر است. یکی از مواردی که در دنیا ساخت بین‌المللی قوی دارد، ورزش است. ورزش با علم، سیاست، رسانه‌ها، مذهب و ... ارتباط دارد. از این رو اساتیدی که در این زمینه‌ها متخصص هستند ورزش رو یک پدیده چند بعدی می‌بینند که از تمام این عناصر مهم تأثیر می‌پذیرد.

پس از بررسی مفهوم ورزش لازم است مفهوم اخلاق را بررسی کنیم. تعاریفی برای اخلاق مطرح شده است که می‌تواند اطلاعات کلی را به ما بدهد. یک تعریف این است که اخلاق یک حالت نفسانی است که می‌تواند هویت انسان رو بروز بدهد یا چیزی که استاد محمدتقی جعفری، خدا روحشان را شاد کند به شوخی گفتند. ایشان داستانی تعریف کردند که یکی از اندیشمندان بزرگ از دنیا رفت. نکیر و منکر بالای سرش آمدند و گفتند که خدای تو کیست؟ گفت:

اسطوقسیست فوق اسطقسات. نکیر و منکر رفتند پیش خدا گفتند: یک نفر مرده یک چیزایی می‌گوید که ما نمی‌فهمیم. خداوند گفت: این رو زودتر بفرستید تو بهشت من هم نمی‌فهمم چه می‌گوید. استاد محمد تقی جعفری فرمودند که اخلاق یعنی شکوفا شدن همه ابعاد مثبت انسانی، در مسیری که رو به هدف اعلاى زندگىست. یعنی یک معادله چند مجهولی. البته تعریف ساده‌تر دیگری می‌گوید مجموعه‌ای از اصول، فرضیات یا ضوابط که بر پایه آنها افراد و نهادهایستی رفتار خودشان را تنظیم کنند. یعنی ما باید رفتارمان را بر اساس یک ضوابطی تنظیم بکنیم که آن ضوابط در واقع ضوابط اخلاقی هستند. این مسأله هم از نظر فردی و هم برای محیط‌های مختلفی که ما انسان‌ها در آن هستیم معنا پیدا می‌کند.

اگر ما تخصیص ورزش را هم در کنار اخلاق مطرح کنیم تعریف متفاوتی خواهیم داشت. در این مورد هم چند تعریف وجود دارد. در نازلترین سطح، اخلاق ورزشی یعنی قوانین و مقررات فنی که باید در ورزش رعایت شود.

در تعریف دیگری گفته می‌شود که ورزش آن چیزی است که یک قهرمان را تبدیل به پهلوان می‌کند. یعنی یک نفر می‌تواند قهرمان باشد، کار خودش را بکند، مدال رو بگیرد، مهارتش رو نشان بدهد و به لحاظ جسمی و مهارتی سرآمد باشد ولی پهلوان نباشد. پهلوان کسی است که خصوصیات پیش گفته را داشته باشد ضمن اینکه جنبه‌های اخلاقی را هم رعایت می‌کند. نمونه پهلوان‌هایی که تاکنون داشته ایم پوریای ولی در سال‌های دورتر و جهان پهلوان تختی است که در کار ورزشی خود سرآمد بودند و به واسطه جنبه‌های اخلاقی شان پهلوان هم بودند.

گفته می‌شود که ورزش باید اعتقادات دینی رو هم پوشش بده، رعایت بکند و حتی مبلغ آنها هم باشد. ما اوایل انقلاب با یکی از دوستان سعی کردیم ورزش را که یک پدیده غربی می‌دیدیم، اسلامی کنیم. احادیث و روایات رو استخراج کردیم و برای هر کدام از آنها یک بازی درست کردیم. مثلاً «المؤمنُ هُوَ الْكَيْسُ الْفِطَنُ»^۱ مؤمن باید «کیس»^۲ باشد ما یک نگاه مذهبی داشتیم و فکر می‌کردیم ورزش اگر این طوری نباشد فایده ندارد. ورزش باید به این صورت باشد که مبین بعضی از اعتقادات دینی جامعه ما هم باشد.

این عکس درباره چهار بچه عقب مانده ذهنی است که با یک نشاط و شادی درحال دویدن هستند. من با این تصویر که نمونه‌های متعدد دیگری هم دارد خواستم بگویم برخی افراد معتقدند که ورزش به ذات، به ما هو، به ارزش، یک مسأله اخلاقی و فرهنگی است؛ اصلاً همه چیز ورزش اخلاق است.

نکته دیگر این است که تا کلمه ورزش به زبان می‌آید همه به یاد علی دایی، مایلی کوهن، فوتبال و اینکه دیشب در اخبار چه گفته شد می‌افتند. ولی ورزش به ذات یک موضوع فرهنگی است و بسیار زیبا و با ارزش است. این اسلاید می‌خواهد ما را به این نزدیک‌تر کند که ورزش شامل شنا و ... هم می‌شود و اخلاق در شنا با اخلاق در مشت‌زنی احتمالاً خیلی فرق می‌کند. چرا که در ورزش شنا ورزشکاران در کنار هم شنا می‌کنند ولی در مشت زنی ورزشکاران می‌خواهند به همدیگر را ضربه بزنند. ورزش کشتی میان این دو قرار دارد. یا در مثال دیگری در فوتبال شما درگیری بازیکن‌ها را دارید ولی در والیبال بازیکن‌ها دو طرف هستند. یا در ورزش اسب سواری، ما با یک حیوان هم تیمی هستیم. ورزشکار و اسبش با هم کار می‌کنند. حتی اسب مهم‌تر است. بنابراین اخلاق در ورزش، انواع ورزش‌ها رو پوشش می‌دهد.

بنابراین بحران‌ها و چالش‌هایی در ورزش وجود دارد که باید دید منبع و ریشه‌اش کجا است؟ اولین چالش این است که در ذات ورزش پیروزی هست اما واقعیت این است که پیروزی به هر قیمت، منبعی برای زیر پا گذاشتن اخلاق شده است. دومین چالش مثل مورد اول ولی از جنبه منافع و مدیریتی است. در مورد اول یک مقدار جنبه شخصی قوی‌تر است دومی این است که مثلاً ما هر وقت تیم آمریکا را می‌بریم خیلی از مسئولین رده بالای ما زود پیام می‌دهند و یا مثلاً وقتی که می‌بازیم تو گویی که عالم به هم ریخته است. ولی مثلاً در خیلی از کشورهای اروپایی این رو مکرر داریم که خوب می‌برند یا می‌بازند و هیچ تفاوتی ندارد. یا مثلاً دو بوکسور با هم مسابقه می‌دهند. همدیگر رو زخمی می‌کنند. یکی می‌برد و دیگری می‌بازد ولی شب سر میز شام همان دو بوکسور کنار هم می‌نشینند و با هم شام می‌خورند. تأکید بیش از حد بر نتیجه‌گرایی و موفق شدن یک منبعی است که بی‌اخلاقی‌ها رو در ورزش ایجاد می‌کند.

دومین چالش استفاده نامطلوب از بدن است. این روزها شما دختر و پسرهایی را در سطح جهان و در کشور می‌بینید، که به بدن خود حرمتی قائل نیستند، و آن را تبدیل به ابزار کرده‌اند مثل استفاده از دوپینگ، مکمل‌ها، مواد سوء و غلط و... که موجب بی‌اخلاقی‌هایی می‌شوند.

1. حدیثی از حضرت علی (علیه السلام)

2. کِیس در مقابل احمق است و به زیرکی خدادادی اطلاق می‌شود.

برای بیان سایر چالش‌ها یک مدل مفهومی مطرح می‌شود تا بتوانیم بی‌اخلاقی در ورزش را مطرح کنیم و به بررسی ریشه‌های آن بپردازیم. بعضی از این موارد خیلی شبیه صنعت، شبیه هنر، یا شبیه به پزشکی یا جاهای دیگر است. ورزش هم مانند مواردی است که بیان شد.

امروزه همانند جاهای دیگر جامعه راند خبری - اطلاعاتی منبع بی‌اخلاقی و فساد در ورزش شده است. وجود رابطه‌مندی به جای ضابطه‌مندی و فراموش کردن شایسته سالاری در گزینش افراد و نیز باند بازی و جناح‌گرایی در مدیریت‌های ورزشی موجب بی‌اخلاقی‌هایی شده است.

مرحوم محسن حجازی در یک برنامه تلویزیونی در جواب به اینکه اشکالاتی در ورزش ما وجود دارد گفتند: در کجای مملکت ما این اشکالات وجود ندارد که حالا شما گریبان ورزش ما را گرفتید؟ در فضاهای دیگر آزادی لازم برای صحبت درباره مسایل و شفاف‌سازی وجود ندارد ولی ورزش رسانه زیاد دارد و رسانه‌ها آزادند که در اتاق شیشه‌ای این موارد را مطرح کنند.

بسیاری از موارد بی‌اخلاقی در جامعه ما مشترک است. من زیاد نمی‌شکافم چون دلایلش روشن است. مثل صنعت و جاهای دیگر. مثلاً همین مورد انتخابات. در دنیا ورزش پدیده مردمی است و در تمام (تقریباً بخش اعظم مدیریتش) انتخابات، مردمی است، مردم، باشگاه‌ها و سهام‌داران انتخاب می‌کنند. کار ورزشی براساس انتخابات پیش می‌رود در کشور ما هم باید همین‌طور باشد ولی یکی از موضوعات بی‌اخلاقی در ورزش ما دخالت در انتخاباتی است که در جاهای مختلف ورزش هم صورت می‌گیرد.

موضوع انتخابات در جامعه ما از چه استانداردهایی برخوردار است؟ چقدر آزاد است؟ چقدر غیر آزاد است؟ چقدر با تخلف و تقلب همراه است؟ به نظر می‌رسد ورزش ما هم تا حدودی در همین ارزش و عیار است و این موضوع مشکلات زیادی ایجاد کرده است. بقیه موارد نیز مثل ارکان‌های قضایی ورزش ما یک حالت پیچیدگی خاصی دارد. در آن توازن نیست. در موضوع ساخت‌وساز و موضوعات مهارتی برخورد موضوع اخلاق کمتر توجه شده است ارکان قضایی هم جز ذات ورزش هست ولی در ورزش ما مثل باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها و ... به ارکان قضایی کمتر توجه می‌شود و این یکی دیگر از دلایل بی‌اخلاقی است.

در خصوص محیط‌های ورزشی یکی از موارد کاملاً ملموس بی‌اخلاقی تماشاگران است. 100 هزار نفر در یک استادیوم جمع می‌شوند که در میان آنها افرادی از سطوح پایین جامعه وجود دارند.

جوان‌هایی که بی‌اخلاقی‌هایی دارند و آشوب به پا می‌کنند در همه جای دنیا هستند، سرو صدا می‌کنند ولی چند مورد که مخصوص کشور ماست و منفی است و مواردی منفی نیز مخصوص کشورهای دیگر است. ما در بعضی از زمینه‌ها از بعضی کشورها بهتر هستیم. یک پدیده عجیب که بسیاری از افراد در فضاهای دیگر از یک تشخیص برخوردارند ولی در محیط‌های ورزشی خیلی رعایت نمی‌کنند. این موضوعی است که باید بررسی شود که چرا هم‌رنگ جماعت می‌شوند؟

از موارد عجیب بی‌اخلاقی ویژه کشور ما ناسزاگویی است. مورد دیگر پرتاب اشیاء است. مثلاً در کشوری مثل انگلستان فاصله زمین فوتبال با تماشاچیان همین اندازه‌ای است که ما تا ردیف اول و دوم داریم ولی پرتاب اشیاء کمتر دیده می‌شود. نکته اینجاست که وقتی تماشاگران ما بی‌اخلاقی می‌کنند آیا این موضوع مرتبط با ورزش است؟ یا مربوط به جامعه است؟ تو اتوبوس‌های ما چه خبر است؟ تو جامعه ما چه خبر است؟ در معاملات ما چه خبر است؟ به نظر می‌رسد که این موارد بیشتر از سمت جامعه تزریق می‌شود.

نکته دوم خیلی نکته فنی است. در ورزش مأمورین امنیتی که در استادیوم‌ها هستند باید تعلیم خاص دیده باشند. گاهی مسایلی را می‌بینیم که به حرفه‌ای نبودن کادرهای مدیریتی، امنیتی و انتظامی بر می‌گردد.

مشکل عجیب دیگری که در در سطح دنیا دیده می‌شود الگوسازی ورزشکاران بی‌صلاحیت است ولی در ایران من ریشه‌یابی نکردم که آیا در اعتراض به نظام اجتماعی است که برخی از ورزشکاران بی‌صلاحیت ما الگو می‌شوند و ظاهراً بیشتر جاذبه دارند درحالی‌که ما در بین ورزشکارانمان افراد فرهیخته هم بسیار داریم.

صنعت داوری نیز یکی از علل بی‌اخلاقی در ورزش ایران است. اینجا معلوم می‌شود که ما آموزش و تعلیم و وقت گذاشتن حرفه‌ای برای کارها در حوزه ورزش رو هم مثل صنعتیمان و بخش‌های دیگرمان کم داریم.

درباره فساد ما 3 جا در ورزش به کلمه فساد اشاره کردیم و واقعیت این است که ما در ورزش فساد رو داریم و عمدتاً هم فساد مالی است. فسادهایی است که جنبه شخصی دارد ما به آنها نمی‌خواهیم بپردازیم براساس عرف جامعه به ما گفته می‌شود فساد، اما این فساد مالی خیلی بزرگتر است و به این دلیل ما در اینجا این موضوع را مطرح می‌کنیم که عمده منابع مالی ورزش ما از منابع دولتی می‌آید به این دلیل شاید به خودمان اجازه بدهیم که راجع به این صحبت بکنیم.

مستحضرب که بزرگان متخصص در حوزه اقتصاد مثلاً آقای دکتر راغفر و آقای دکتر توکلی اعلام کردند که فساد به صورت سیستماتیک در کشور ما وجود دارد اما بعضی‌ها اصرار دارند که نه سیستمی نیست و ما خیلی پاک و منزهیم. به نظر می‌رسد فساد مالی در ورزش که شکل‌های مختلفی هم دارد و با بعضی مصادیق به آنها اشاره خواهیم کرد، در واقع از جامعه به بخش ورزش رسوخ پیدا کرده است.

از مواردی مثل مواد نپروزا و ... عبور می‌کنم. آنچه در بند آخر آمده یک مقدار ویژه بخش ورزش است مثلاً اینکه ما به بازیکن‌های تیم حریفان پول بدهیم که موجب شکست تیمشان بشوند. از این موضوعات هم عبور می‌کنم.

در خصوص بی‌اخلاقی فرهنگی، به عبارتی بی‌اخلاقی‌هایی که جنبه‌های مالی-اداری کمتری دارند و یک مقدار جنسشان فرهنگی‌تر است می‌توان به عدم حضور زنان در استادیوم‌ها اشاره کرد. در حال حاضر در کشور ما حضور زنان در استادیوم‌ها ممنوع است. گفته می‌شود علمای دینی این ممنوعیت رو در خصوص حضور زنان به عنوان تماشاچی ایجاد کردند. مثل خیلی از چیزهایی که در جامعه ما است و متولی اش معلوم نیست اینجا هم کسی درباره اینکه چرا زنان نباید بیایند در استادیوم مسابقه را تماشا کنند پاسخگو نیست ولی ادعا می‌شود که بی‌اخلاقی بیشتر می‌شود.

من خودم به اتفاق چند نفر از خانوم‌ها، (خانوم فریده یونسین و همکاران) یک تحقیق را انجام دادیم با حجم 2000 نفر درباره حضور زنان در استادیوم‌ها، وقت نیست من کامل توضیح بدهم ولی واقعاً برخورد خانم‌ها بسیار مقبول و منطقی بود و چند نکته در برداشت. خانم‌ها می‌گفتند باز ما زن‌ها به خاطر شما مردان باید از حقوق خود محروم شویم و یک پیشنهاد جالب این بود که در مسابقه‌هایی مثل مسابقه استقلال و پرسپولیس، یک مسابقه را به تماشاچی مرد و یک مسابقه را به تماشاچی زن اختصاص بدهید. یعنی زن‌ها دارند تلاش می‌کنند که حششان را بگیرند. بسیاری از مردها معتقدند اگر از بعضی از چیزها بگذریم حضور خانم‌ها در استادیوم‌ها می‌تواند جنبه‌های فرهنگی را رشد بدهد. برای مثال بعضی از بداخلاقی‌ها و ناسزاگویی‌ها رو کم کند.

نکته دوم در بی‌اخلاقی‌های فرهنگی، بحث کمبود الگوی زنده یا پهلوان ورزشی در کشور است. یک سؤال جدی وجود دارد که به نظر من می‌توان از موضع جامعه شناسی به آن فکر کرد. سؤال این است که آیا ورزش، عقیم مانده یا زایا است؟ فرض بر این بوده است که ورزش ما باید پهلوان تولید کند ولی من عرض کردم که ما فقط پوریای ولی و بعد هم جهان پهلوان تختی رو داشتیم و بعد از آن به نظر می‌رسد ما کسی رو نداشتیم که بتواند به آن حد برسد. البته من به شما عرض بکنم ورزش ما الآن ورزشکاران و مربیان فرهیخته بسیاری رو دارد. دلیل فرهیختگی ایشان به دلیل گذشتن از مال و اموالشان، فقیر نوازی و یتیم نوازی ایشان است. یا پهلوان بودنشان، به این دلیل است که در بزنگاه‌های سیاسی همیشه از حق و عدالت دفاع کردند. همیشه طرف مردم بودند. ما قهرمان‌هایی رو که به مرزهای پهلوانی نزدیک شدند داریم ولی ما بایستی فکر کنیم که چرا ورزش ما نمی‌تواند پهلوان بسازد. البته این سوال نیز مطرح است که آیا هنر ما توانسته مانند استاد شجریان‌ها را ایجاد کند یا مثلاً در حوزه علمی و سایر حوزه‌ها آیا ما توانسته‌ایم نخبه‌ها و ستاره‌ها را ایجاد کنیم؟ این‌ها سوالاتی است که در ورزش ما وجود دارد.

مسأله دیگری که می‌خواهم توجه شما جمع فرهیخته را به آن جلب کنم این است که ورزش با یک چیزی به نام شهرت همراه است.

در میان هفت دریا، تخته بندم کرده است باز می‌گوید که چابک باش و دامن‌تر مکن^۳

یکی از همبازی‌های قدیم من که با هم در جوانان فوتبال بازی می‌کردیم، شاید اگر نام ببرم شما هم بشناسید، داستان‌های زندگی‌های ملی و بین‌المللی شد. یک روز من بهش گفتم که چرا تو درگیر این مسایل شدی؟ ایشان گفت: فلانی من تلفنم رو یک هفته به شما می‌دهم تا متوجه شوی. خیلی از ورزشکاران ما می‌گویند که شما تلفن ما را یک هفته بگیرید و تماس‌هایی که با ما گرفته می‌شود و خودشان را بر ما عرضه می‌کنند را ببینید شما هم نمی‌توانید مقاومت بکنید. من می‌خواهم این را عرض بکنم که خیلی از ورزشکاران ما دچار بی‌اخلاقی شدند به دلیل این که مشهور بودند. مثلاً در انتخابات اخیر از یکی از ستادها تقریباً خبرهای موثق داشتیم که بسیاری از ورزشکاران رو به نوعی از قبل خدمت گرفته بودند و استخدام کرده بودند برای اینکه از نامزد خاصی حمایت کنند و عدد و رقم قابل توجهی نیز به ایشان می‌دادند. ممکن است شما به ورزشکار ایراد بگیرید ولی شهرت با ورزش همراه است و این موضوع بسیار قابل تأمل است.

در بررسی ابعاد ورزش، بسیاری از ورزش‌های ما یک پدیده غربی هستند به همین خاطر خیلی از اون چیزهایی رو که غیر اخلاقی تلقی می‌کنند در ورزش ممکن است واقعاً غیر اخلاقی نباشد و ما بایستی به شکل دیگری به آنها نگاه کنیم.

در زمینه بی‌اخلاقی‌های مالی و اقتصادی نمونه‌هایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عدم وجود شفافیت مالی است. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که چرا در ورزش انتظار می‌رود قراردادهای شفاف باشند؟ مگر در جاهای دیگر مسایل مالی شفاف است؟ به نظر من با توجه به میزان شفافیتی که در کشور ما وجود دارد ورزش خیلی عقب نیست. البته یکی از مواردی که متأسفانه وجود دارد این است که برای فرار از مالیات گاهی کارهای غیر اخلاقی صورت می‌دهیم. اتفاقاً همین امروز یکی از فوتبالیست‌های مشهور ما آقای علی کریمی یک قراردادی را در فضای مجازی منتشر کرد که با ورزشکار قرارداد 100 میلیون تومانی بسته بودند ولی بعد از عقد قرارداد آن را مخدوش کردند و گفتند قراردادش رو نادیده بگیرید و در نهایت شده 100 هزار تومان. به همین سادگی که عرض می‌کنم. ما موارد زیادی را می‌شنویم که می‌گویند ورزشکاران مولتی میلیاردرند اما در حقیقت بسیاری از اینها درصد کمی از اون قرارداد اسمی را می‌گیرند.

متأسفانه ما مدیرانی رو داریم که منشأ فسادند و این مدیران و مدیریت‌های ما است که چنین بی‌اخلاقی‌هایی رو در ورزش ایجاد می‌کند. این مدیران عمدتاً از خارج از بخش ورزش به ورزش وارد شدند. عمدتاً نظامی، سیاسی یا از بخش‌های اقتصادی هستند. برای مثال پدیده دلالتی گری در ورزش مثل هر جای دیگری از جامعه وجود دارد. ما تمایل نداریم به یک بنگاه مراجعه کنیم بگوئیم یک خونه خوب برایمان پیدا کن کمیسیونت رو بگیر دوست داریم خودمون این کار را بکنیم. در ورزش نیز agent داریم مثل همه ی دنیا که خیلی شفاف حق و حساب خودش را می‌گیره ولی ما این نوع کارهامون عمدتاً پنهانی است که من ریشه اش را عرض خواهم کرد. امروزه ورزش باشگاه محور است. باشگاه یک بنگاهی است که افراد در آن جمع می‌شوند. ولی اکثر باشگاه‌های ما دولتی هستند و منابعشان از دولت تامین می‌شود. همانند بقیه جاهای دیگر که مشکلاتی دیده می‌شود در ورزش هم چون پول مال بیت المال است فساد به وجود می‌آید. بنابر این یکی از مشکلات اختلاس در سیستم مالی باشگاه است.

یک بحث دیگر بی‌اخلاقی‌های رسانه‌ای است. در کشور ما رسانه‌ها چقدر آزاد هستند؟ مثلاً در عرصه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شما هر موردی را که بفرمایید بدون تردید در ورزش رسانه‌ها چند برابر آزاد ترند. بی‌اخلاقی‌های رسانه‌ای که می‌بینید به دو دلیل عمده است یکی اینکه در رسانه‌های ورزشی می‌توانند حرف بزنند در رسانه‌های دیگر خیلی جاها نمی‌توانند حرف بزنند. علت دوم این است که رسانه‌های ما دچار بحرانند ما رسانه‌ای‌های با شرف و با اخلاق زیاد داریم اما برخی رسانه‌ها دچار مشکل اخلاقی می‌شوند. همان طور که اگر کارمندی در آمدش کم باشد ممکن است به دامن خطا بغلتد، رسانه‌های ورزشی ما نیز چون خودکفایی مالی ندارند ممکن است ابزار دست مدیران ورزشی شوند.

راهکارهای حل این مشکلات چیست؟

برای اینکه شما عزیزان مستحضر باشید که مدیران بیکار نبودند و تلاش‌هایی در جهت حل مشکلات کردند من به بارزترین تلاشی که صورت گرفته و به کمبودها و نقصان‌ها و البته نقاط قوتش اشاره می‌کنم. «نظام نامه جامع فرهنگی ورزش» تدوین شده و به تأیید مراجع ذیربط رسید. فرض بر این بوده که این نظام نامه از سال 93 به بعد اجرا بشود. مهم‌ترین مسأله در این نظام‌نامه این است که تعدادی جملات با جنبه شعاری در آن نوشته شده است و من کم‌تر دیدم که اینها به میدان عمل نزدیک بشود. مثلاً «تقویت هویت ایرانی اسلامی جامعه ورزش»، «بهبود سبک ایرانی - اسلامی جامعه ورزش»، «ترویج اخلاق و منش پهلوانی» شما با نگاه به این نظام‌نامه متوجه شعاری بودن آنها می‌شوید.

در حوزه رسانه‌ای به جای حل دو مشکل اساسی که رسانه آزاد و مستقل داشته باشیم مثل همه جای دنیا که وقتی دستشان در جیب مدیر دولت نباشد نانشان در دست خودشان است ما شاهد این هستیم که رسانه‌ها نمی‌توانند مستقل و خودکفا باشند.

البته بعضی از اینها می‌تواند مفید باشد که شما ملاحظه می‌کنید و کمتر به آنها پرداخته شده است. مثلاً در افزایش سواد رسانه‌ای در بین خود اصحاب رسانه‌ای دوره‌هایی داشته‌اند. دوره‌های دانشگاهی، دوره‌های کوتاه مدت و یک سری فعالیت‌هایی صورت گرفته است.

در حوزه مالی و اقتصادی شعارهای زیادی نوشته شده است که به نظر می‌رسد کارآیی ندارد. یکی از مسؤولین رده بالای تشخیص مصلحت، می‌گفتند ما 25 سال است که می‌خواهیم خصوصی‌سازی کنیم ولی فلان کشور 5 ساله این کار را انجام داد. به جای این همه مسایل اگر ما ورزش را خصوصی بکنیم و پولش بیاید و مدیران سوءاستفاده‌گر بروند کنار و کار سپرده بشود به مردم بسیاری از فسادهای مالی در حوزه ورزش از بین خواهد رفت.

باز در حوزه سازمانی همان یک کلمه شایسته سالاری می‌تواند مشکلات زیادی را حل کند. ما ورزشی‌ها خیلی به این مسأله معترضیم که محیط ورزش از مدیرانی که غیرورزشی هستند پر شده است. من فلسفه ورزش را پیش اساتید بزرگ گذرانده‌ام. سر کلاس دکتر مظلومی بودم و استاد به من فلسفه ورزش یاد دادند ولی در کشور ما الآن مدیرانی از حوزه‌های مختلف پیداشون می‌شود که باعث بروز این مشکلات می‌شوند.

من چند مثال دیگر هم از ورزش می‌زنم و صحبت‌هایم را جمع‌بندی می‌کنم. احتمالاً چند هفته قبل در رسانه‌ها مشاهده کردید که ایران با دانمارک مسابقه فوتبال داشت. در آخر مسابقه یک تماشاچی سوت زد و یکی از بازیکنان ما اشتبهاً در محوطه جریمه فکر کرد بازی تمام شده، توپ رو برداشت. داور اعلام پنالتی کرد و تیم مقابل می‌توانست یک گل به تیم ما بزند اما کاپیتان تیم دانمارک دوید کنار زمین و با مربیشان مشورت کرد و گفت این حق ما نیست این اشتباه شده است. بازیکن برگشت و توپ رو توی اوت زد و توی گل نزد. ما در ورزش خودمون هم از این نمونه مشابه و موارد اخلاقی دیگر زیاد داریم. ما ورزشکاران بسیار خوبی داریم. من در دولت جناب آقای خاتمی که خدا حفظشون کند مسؤولیتی داشتم. با آقای رئیس‌جمهور صحبت کردم که بنیادی رو برای چند تا از قهرمان‌هایمان درست کنیم. ایشان پذیرفتند ولی آن قهرمان ما وارد شورای شهر شد که شما به‌خوبی در جریان هستید. ما به‌دنبال درست کردن بنیاد بودیم چون من خارج از کشور دیدم که مایکل جردن چنین بنیادی رو درست کرده بود و در زمینه اعتیاد فعالیت می‌کرد. مایکل جردن بسکتبالیست آمریکایی سیاه پوست و مولتی میلیاردری هست که برایش یک شعری هم درست کرده بودند، می‌گفتند:

I Believe I can fly, I believe I touch the sky

چون آنها معتقد بودند که مایکل می‌تواند آسمان رو لمس کند. در کشور ما هم زمینه‌ها به نحوی هست که بچه‌های خوب ما آرایش پیدا می‌کنند. ولی در ورزش ما به حق مربیانی هستند که با از خود گذشتگی، فداکاری و با کم‌ترین دریافت‌ها مشغول کار هستن. مدیران زحمت‌کش و سالم و پاک در ورزش ما بسیار است ولی فضای کشور به نحوی نیست که بتوان از ظرفیت این افراد استفاده کرد.

در نهایت اینکه من نکات منفی رو بیشتر تأکید کردم چون ما معتقدیم که آفات از محیط ملی به ورزش وارد می‌شود. بی‌قانونی، دروغ‌گویی، فقدان شایسته‌سالاری و نگاه علمی و تضاد ظاهر و باطن جامعه ما مواردی است که از سمت جامعه به ورزش وارد شده است. جامعه ما چقدر ظاهر و باطنش به هم شبیه است؟ ما از چند کشور عقب‌تر و از چند کشور جلوتر هستیم؟ مسأله مهمی هم که باز سهم خودمون رو بیشتر معلوم کنیم علوم انسانی در مقابل علوم تجربی است. ما در کشورمون یکی دوتا جامعه‌شناس ورزشی بیشتر نداریم. ما فیلسوف ورزشی نداریم. اما مهندس ورزش داریم. مسؤول ساخت و ساز داریم، فیزیولوژیست داریم. ما الان در ورزش قلب و با سرطان را بررسی می‌کنیم. در این جنبه‌ها قوی هستیم ولی در آن جنبه‌هایی که بخواید مبانی اخلاقی ورزشمون را تقویت کند متخصص کم‌تری داریم.